



سیره امام رضا(ع)؛ الگویی کامل از عقل، اخلاق و کرامت انسانی

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدرضا عمادی گفت: سیره امام رضا(ع) سرشار از معنویت، علم، اخلاق و انسان‌دوستی است.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدرضا عمادی گفت: سیره امام رضا(ع) سرشار از معنویت، علم، اخلاق و انسان‌دوستی است. ایشان الگویی کم نظیر برای پیروان اسلام به شمار می‌آیند، کسی که با تواضع، عقلانیت و محبت به دیگران، ارزش حقیقی انسان را نمایان می‌سازد.

امام رضا(ع) سیره امام رضا (ع) سرشار از معنویت، علم، اخلاق و انسان‌دوستی بود. ایشان در میان مردم به عنوان عالم ترین و مهربان ترین فرد شناخته می‌شد و همواره با همگان با چهره‌ای گشاده رفتار می‌کردند. از ویژگی‌های برجسته ایشان تواضع و فروتنی بود، هرگز خود را برتر از دیگران نمی‌دید و حتی هنگام سفر یا غذا خوردن، خادمان خود را بر سر یک سفره می‌نشاند.

در مناظرات علمی، با منطق و استدلال محکم سخن می‌گفت و اهل هر دین و مذهب را با احترام پاسخ می‌دادند. علم گسترده ایشان در حدیث، فقه، پزشکی و فلسفه زبانزد خاص و عام بود. امام رضا (ع) در عین حال، بر عبادت و بندگی خدا تأکید بسیار داشت و شب‌های طولانی را به دعا، تلاوت قرآن و تفکر در آفرینش می‌پرداخت. در برخوردهای اجتماعی، به فقرا و نیازمندان توجه خاصی داشت و بسیاری از آنان را بی‌آنکه بفهمند، یاری می‌کرد.

سیره سیاسی ایشان نیز بر حفظ وحدت امت اسلامی و مقابله با ظلم در عین حفظ آرامش جامعه بنا شده بود. نهایتاً، دوران ولایتعهدی ایشان در خراسان نشانگر زهد و بی‌اعتنایی به دنیا بود، چراکه با وجود قدرت ظاهری، زندگی ساده و پاک خود را تغییر ندادند. زندگی امام رضا(ع) الگویی کامل برای انسان مؤمن و دانا است، ترکیبی از عقل، عشق، عبادت و خدمت به انسان‌ها.

در همین خصوص خبرنگار ایکننا از خراسان رضوی با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدرضا عمادی، پژوهشگر دینی گفت وگویی انجام داده است که در ادامه می‌خوانیم؛
ایکننا- نگاه امام رضا(ع) به کرامت انسانی و حقوق مردم چگونه بوده است؟

نگاه امام رضا(ع) به کرامت انسانی، نگاهی عمیق و ریشه‌دار است، نگاهی که انسان را نه به عنوان یک ابزار یا موجودی درجه دار، بلکه به عنوان «انسان محترم» و دارای حق و منزلت می‌بیند. در این نگاه، حقوق مردم تنها در قالب شعار باقی نمی‌ماند، بلکه در رفتار اجتماعی، سیاست‌گذاری‌ها و حتی شیوه‌ی گفت‌وگو و تعلیم نمایان می‌شود. از جمله حقوقی که در سیره رضوی جلوه دارد، حق زندگی، حق آزادی، حق برخورداری از عدالت، و نیز حق محترمانه زیستن در جامعه است. حضرت از مؤمنان می‌خواهند، که این حقوق را در همه ابعاد زندگی رعایت کنند، یعنی همان‌گونه که انسان در خلقت از ارزش برخوردار است، در زندگی اجتماعی نیز باید از امنیت، کرامت و احترام برخوردار باشد.

در اندیشه امام رضا(ع)، هر انسان باید به عنوان انسان ارزشمند مورد تکریم قرار گیرد و هیچ‌گاه رفتار انسانی براساس نژاد، مذهب، جنسیت یا هر معیار تبعیض‌آمیز دیگری شکل نگیرد. انسان‌ها در برابر حقیقت، خدا و حقوق انسانی یکسان‌اند و در زندگی اجتماعی هم نباید کسی به دلیل باور یا ویژگی‌های شخصی از حق خود محروم شود. همین نگاه عدالت‌محور و انسان‌دوستانه است، که کرامت انسانی را به یک اصل تبدیل می‌کند، اصلی که نه زمان می‌شناسد و نه مکان، و نه ظاهر. در همین راستا، در کتاب «عیون اخبار الرضا» آمده است، که خداوند توانمندان را مکلف کرده است، که نسبت به حال بیماران زمینگیر و دیگر مبتلایان قیام کنند، یعنی اگر جامعه‌ای نسبت به درد ناتوان بی‌تفاوت باشد، از مسیر کرامت فاصله گرفته است.

از نگاه امام، کمک به بیمار فقط یک رفتار عاطفی نیست، یک وظیفه‌ی اخلاقی و انسانی است که توانمند باید آن را جدی بگیرد. یکی دیگر از نمودهای مهم کرامت انسانی در سیره امام رضا(ع)، احترام به اندیشه و حق پرسشگری است. حضرت در جلساتی که با پیشوایان مذاهب و رهبران دانش و اندیشه داشتند، به حاضران می‌فرمود، «ای حاضران اگر در میان شما کسی هست که اسلام را باور ندارد و می‌خواهد در این باره سؤال کند، بدون هیچ ملاحظه‌ای بپرسد و از چیزی بیم به دل راه ندهد.» در این سخن کوتاه، چند پیام بزرگ نهفته است، اول آنکه انسان پرسشگر، حتی اگر هنوز ایمان نیاورده باشد، حق دارد سؤال کند. دوم آنکه گفت‌وگو باید با آرامش و احترام همراه باشد، که طرف مقابل شرمگین یا نگران نشود. سوم آنکه مقام و شأن علمی نباید بهانه‌ی ترس شود، یعنی پرسش نباید با اضطراب پاسخ داده شود، بلکه باید زمینه‌ی روشن شدن حقیقت فراهم شود. عبارت «بدون هیچ ملاحظه‌ای بپرسد» و نیز «از چیزی بیم به دل راه ندهد»، در حقیقت احترام به کرامت انسانی گفت‌وگوکننده است.

احترام به فکر و جایگاه انسانی کسی که می خواهد حقیقت را بفهمد. امام رضا(ع) با چنین شیوه ای نشان می دهند، که ارزش انسان در این است که جرأت پرسش داشته باشد، بدون اینکه از توبیخ، شرمساری یا ترس از مقام ها آسیب ببیند.

نمونه دیگر از فضای علمی مبتنی بر کرامت، ماجرای گفت و گو و مناظره امام رضا(ع) با سلیمان مروزی و نیز موضع گیری مأمون است. در این ماجرا، وقتی سلیمان در مناظره دچار لغزش ها و آشفتگی در استدلال می شود، مأمون به او سخت می گیرد، اما امام رضا(ع) افزون بر نقد علمی اشتباه، لحن و روش گفت و گو را نیز اصلاح می کند و می فرماید، با متکلم خراسان مدارا کنید و به او فرصت گفت و گو بدهید، چراکه هدف، شکستن شخصیت پرسشگر نیست، بلکه باید زمینه برای بیان حقیقت فراهم شود. این دقیقاً همان رفتار انسان محور است، حتی در برابر خطا، حرمت انسان حفظ می شود و راه برای اصلاح و فهم باز می ماند. در کنار این ها، سیره امام رضا(ع) درباره حفظ حرمت انسان، بسیار گویا و تأثیرگذار است.

نقل شده مردی خدمت امام آمد و گفت، «ای پسر پیامبر، هزینه زندگی ام را گم کردم و دیگر چیزی برای رسیدن به خانه و خانواده ام ندارم. از شما قرض می خواهم و من این قرض را صدقه می دهم.» امام رضا(ع) به خانه رفت و دست خویش را از در بیرون آورد و فرمود، «این کیسه را بگیر، در آن دویست دینار است. ما را نیازی به صدقه دادن تو نیست.» مرد وقتی پاسخ را شنید، با تعجب پرسید، «ای پسر پیامبر خدا چرا چهره ات را نمی نمایانی و از در بیرون نمی آی؟» امام در پاسخ فرمود، ما خاندانی هستیم که نمی توانیم خواری و ذلت درخواست کردن را در چهره سائل ببینیم، این جمله در واقع یک درس بزرگ اخلاقی است، کمک کردن بدون حفظ آبرو، نه تنها فضیلت نیست، بلکه می تواند رنجی تازه ایجاد کند. امام رضا(ع) کرامت انسانی را تا آن جا رعایت می کند، که حتی در بخشش مالی هم نمی گذارد گیرنده احساس حقارت کند. در نگاه ایشان، صدقه و کمک زمانی ارزشمند است، که همراه با احترام، آرامش و حفظ شأن انسانی باشد. در مجموع، سیره امام رضا(ع) نشان می دهد، کرامت انسانی فقط یک ارزش نظری نیست، بلکه یک سبک زندگی است، احترام به حقوق مردم، مبارزه با تبعیض، حمایت از بیماران و ناتوانان، تأمین امنیت فکری برای پرسشگری، مدارا در فضای علمی، و مهم تر از همه حفظ آبرو و شأن انسان حتی در لحظه ی نیاز. این نگرش، الگویی روشن برای امروز ما است، که اگر حقیقت را می خواهیم، باید با عدالت و انسانیت به استقبال آن برویم. ایکنه در مواجهه با ناهنجاری های اجتماعی، سیره رضوی چه راهکاری پیشنهاد می دهد؟

در دوران امامت امام رضا(ع)، جهان اسلام با یکی از پیچیده ترین دوره های خود روبه رو بود، دورانی که نه تنها از نظر سیاسی دستخوش تغییرات بنیادین شده بود، بلکه از نظر اعتقادی نیز با هجوم بی پایان افکار، عقاید و فرقه های نوظهور دست به گریبان بود. تکثر و تنوع فرقه های نوپا که دائم در حال بروز و ظهور بودند، به اصلی ترین ناهنجاری اجتماعی و اعتقادی آن روزگار تبدیل شده بود. در چنین فضایی، امام رضا(ع) با رویکردی منحصربه فرد به مصاف این جریان های انحرافی رفتند. اگرچه حرکت امام رضا(ع) در امتداد مبارزات علمی و فرهنگی امام باقر(ع) و امام صادق(ع) بود، اما تفاوت های ساختاری عمیقی با دوره های پیشین داشت. در دوران صادقین، محور اصلی، تبیین معارف ناب در برابر رکود عقیدتی بود، اما در عصر امام رضا(ع)، فرقه ها نه تنها پرتعدادتر، بلکه با روش ها، ابزارهای نفوذ و رویکردهای گوناگون و پیچیده تری فعالیت می کردند.

این گروه ها از شبهات فلسفی وارداتی گرفته تا جریان های غلوآمیز و التقاطی، هرکدام بخشی از ذهنیت جامعه را هدف قرار داده بودند. امام هشتم برای مقابله با این تهاجم چندلایه، صرفاً به یک روش اکتفا نکردند، بلکه استراتژی شبکه ای را در پیش گرفتند، از جمله دیپلماسی مناظره و گفت و گو، امام(ع) با گشودن باب گفت و گو در عالی ترین سطح علمی و در حضور بزرگان مذاهب و فرقه ها، برهان های پوشالی آن ها را در برابر چشم عموم به چالش می کشیدند. ایشان با استفاده از منطق اقناع، به جای طرد فیزیکی، به مبارزه با اندیشه پرداختند و ثابت کردند که حقیقت تشیع، با هیچ شبهه ای متزلزل نمی شود.

یکی از درخشان ترین اقدامات امام، تربیت شاگردانی بود، که در عرصه های علمی، فرهنگی، سیاسی و حتی اقتصادی، متخصص و صاحب نظر بودند. این نخبگان به عنوان «سفیران فکری» امام، در نقاط مختلف جهان اسلام عمل می کردند و در نبود مستقیم امام، بار روشنگری و حل شبهات مردم را بر دوش می کشیدند. مورد بعد مدیریت ارتباط با خواص است، امام(ع) به خوبی می دانستند که برای حفظ انسجام جامعه شیعی، باید ارتباط مستقیم و ویژه ای با خواص و یاران نزدیک داشته باشند. ایشان با حل شبهات کلیدی این افراد، از تبدیل شدن سؤالات ساده به جریان های انحرافی بزرگ جلوگیری می کردند، تأیید و تکذیب جریان ها امام(ع) با صراحت تمام، افراد و گروه هایی را که مورد تأیید بودند، معرفی و گروه های انحرافی را نزد عموم رسوا می کردند.

این عمل، نوعی مرزبندی عقیدتی بود که باعث می شد شیعیان در غبار فتنه ها، مسیر حقیقت را گم نکنند، اصل حرکت آرام و استقرار، امام رضا(ع) با هوشمندی، اصل «حرکت در بستر آرامش» را رعایت می کردند. ایشان بدون اینکه جامعه را دچار تلاطم و تنش های غیرضروری کنند، با استقرار در خراسان و استفاده از فرصت های پیش آمده، پایه های فکری تشیع را چنان مستحکم کردند، که بسیاری از فرقه ها در اثر وزش نسیم معرفت ایشان، خودبه خود به حاشیه رفته و محو شدند. در نهایت، موفقیت امام رضا(ع) در این رویارویی، حاصل تلفیق عقلانیت حاکم با صبر استراتژیک بود. ایشان نه با زور شمشیر، که با قدرت کلام و

سازماندهی دقیق اجتماعی، توانستند کشتی دین را از میان امواج سهمگین فرقه های انحرافی به ساحل سلامت برسانند. این الگوی مبارزه، هنوز هم بهترین نقشه راه برای مواجهه با جریان های انحرافی در عصر حاضر است. ایکن- کدام بخش از سیره امام رضا(ع) امروز بیشتر مورد غفلت قرار گرفته است؟

نخستین و بنیادین ترین ویژگی شیعه از منظر امام رضا(ع)، تسلیم محض در برابر امام است. واژه «شیعه» در اصل به معنای پیرو و همراه است و چنین پیرو حقیقی، باید در برابر اوامر معصوم تسلیم باشد. اگر امروز شاهد تخطی از دستورات پیشوایان معصوم هستیم، ریشه در شناخت ناقص ما نسبت به جایگاه رفیع آنان دارد، چراکه هنوز عمق وجودی و مقام این بزرگواران بر ما روشن نشده است. ائمه اطهار(ع) نه تنها رهبران سیاسی، بلکه طیبیان روح و روان بشرنده و وجود نورانی شان بر جان انسان تأثیرگذار است.

بهره مندی از این هدایت، سلامت روان را به ارمغان می آورد، روانی سالم که بستر لذت حقیقی از زندگی است. در مقابل، رذایلی همچون تکبر و حسادت، نه تنها روح آدمی را می آزارد، بلکه سلامت جسمانی او را نیز به مخاطره می اندازد. ائمه به عنوان رهبران و راهنمایان بی خطا، بشریت را به سوی رشد و کمال همه جانبه مادی و معنوی هدایت می کنند. در عصر غیبت، نقش رهبری جامعه و ضرورت تبعیت آگاهانه از ولی فقیه به عنوان کسی که بیشترین قرابت را با سیره و رهنمودهای ائمه اطهار(ع) دارد، بیش از پیش نمایان می شود، اصلی که غفلت از آن، خسارات جبران ناپذیری به پیکره ی جامعه وارد خواهد کرد. ایکن- برای نسل جوان، کدام جلوه از سیره رضوی می تواند الهام بخش تر باشد؟

برای نسل جوان، یکی از مهم ترین و الهام بخش ترین جلوه های سیره و زندگی حضرت رضا(ع)، توجه هم زمان به عقلانیت و ایمان است. این دو عنصر، در کنار هم، راهنمای اصلی انسان در مسیر کمال و سعادت است. امام رضا(ع) در سخنانی بسیار حکیمانه، به ارزش و اهمیت عقل در زندگی انسان تأکید می کنند و می فرمایند: «صدیق کل امرء عقله و عدوه جهله»، یعنی دوست و یار هر فرد، عقل اوست و دشمن او، جهل او. این جمله، بسیار مهم و راهگشا است، چون بر اهمیت عقل در تشخیص راه درست، بردباری، تصمیم گیری های صحیح و زندگی پرمعنا اشاره دارد. در واقع، کسی که عقل دارد، در حقیقت، همه چیز دارد. او توانایی تفکر، درک، قضاوت و تصمیم گیری صحیح را داراست و مسیر زندگی اش را براساس منطق و حکمت بنا می کند.

اما برعکس، کسی که جهل را در خانه اش جای داده و توجهی به عقل ندارد، در واقع، از انسانیت و ارزش های انسانی فاصله گرفته است و بهره ای واقعی از زندگی نخواهد برد. چنین فردی، در معرض خطاها، آسیب ها و ناپایداری های زندگی قرار می گیرد، زیرا عقل، همانند چراغ راه است که انسان را از تاریکی های جهالت رهنمون می سازد و او را به سمت مسیر حق و عدالت هدایت می کند. علاوه بر این، یکی از برترین نوع های عقل، آن است که انسان بتواند خودش را بشناسد. شناخت نفس، یعنی درک عمیق از ذات، صفات و افعال خود، همچون راهی است به سوی درک عمیق تری از خداوند عزوجل. چرا که، شناخت نفس، مانند نردبانی است که به وسیله آن می توان موجودیت و صفات پروردگار را شناخت و معرفت او را درک کرد. این نوع از شناخت، کلید واژه ای است برای فهم حقیقت و رسیدن به کمال انسانی، چراکه هر چه تو بهتر خود را بشناسی، بهتر می توانی خالق و مبدع هستی را بشناسی و در نتیجه، بیش تر به راه سعادت نزدیک شوی.

در مجموع، سیره و زندگی حضرت رضا(ع) بر اهمیت عقلانیت همراه با ایمان تأکید می کند و یادآوری می سازد، که این دو، دو عنصر جدانشدنی و اساسی در مسیر رشد و تعالی انسان هستند. آنان که در مسیر زندگی شان این درس را سرلوحه قرار می دهند، می توانند به انسان های کامل تر و سزاوارتر به درگاه الهی تبدیل شوند، انسان هایی که نه تنها در دنیا بلکه در آخرت، در کنار رحمت خداوند، احساس آرامش و رضایت می کنند.

ایکن